

## تقابل واژه‌های «آسیب‌شناسی روانی» و «درمان» در لغت‌نامه‌های زبان فارسی

### دکتر حسین کاویانی<sup>۱</sup>

گروه روانپزشکی و روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، مرکز تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی

### مهرانگیز پورناصح

مرکز مشاوره چالش مهر

### دکتر ارسلان گلفام

گروه زبانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس

**هدف:** این تحقیق در پی آن بود تا واژه‌های آسیب‌شناسی روانی و درمان را در فرهنگ‌های معتبر زبان فارسی (معین، عمید و معاصر [فارسی امروز]) و نسبت‌های خوشایندی/ناخوشایندی، جسمی/غیرجسمی و رایج/غیررایج آنها را تعیین کند. **روش:** نمونه مورد مطالعه این پژوهش کیفی، کلیه ورودی‌های درج شده در فرهنگ‌های سه‌گانه بود. با توجه به اهداف پژوهش، نظر تخصصی سه روانشناس مستقل و یک زبان‌شناس، به عنوان معیار سنجش و ارزیابی واژه‌ها و لغات به کار گرفته شد تا ویژگی‌های کیفی و توصیفی واژه‌ها و لغات استخراج شود. **یافته‌ها:** عناصر روانشناختی مورد نظر این مطالعه (آسیب‌شناسی روانی و درمان) از یکدیگر متفاوت‌اند و در تقابل با یکدیگر قرار دارند. **نتیجه‌گیری:** یافته‌ها با توجه به نظریه‌های روانشناختی و از نگاه فرهنگی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها: واژه، آسیب‌شناسی روانی، درمان، لغت‌نامه

### مقدمه

فرهنگ (لغت‌نامه) مجموعه‌ای سامان‌مند از عناصر کلامی یک قوم، ملت یا جامعه در دوره زمانی معین است؛ عناصری که برای سخن گفتن، نوشتن یا هر دو به کار می‌رود؛ در میان افراد ارتباط ایجاد می‌کند و انتقال تجربه‌ها، احساس‌ها و دریافت‌ها را ممکن می‌سازد.

تا کنون در کشور ما، در زمینه کشف ارتباط فرهنگ و موضوعات روانشناختی تلاش‌های پراکنده‌ای شده که عمدتاً نیز بر تحلیل گفتمان<sup>۲</sup> و روش کیفی مبتنی بوده است. در برخی از این مطالعات، به فرهنگ عموم (عامه) مراجعه شده تا با نگاه به کاربرد آیین‌ها و خرافه‌ها برخورد فرهنگی با موضوع‌هایی نظیر بیماری

روانی و درمان آن بررسی شود. پژوهش در زمینه موجودات خیالی و غیرواقعی مانند آل و ام الصبیان یکی از پژوهش‌هایی است که در این زمینه انجام شده است (داویدیان و ساعدی، ۱۳۴۴). کاوش در اساطیر به عنوان عناصر فرهنگی و ارتباط آن با روانشناسی مرضی نیز از جمله این مطالعات است (داویدیان، ۱۳۴۴).

تحقیق و پژوهش در کشورهای مختلف نشان داده است که جنبه‌های روانشناختی ممکن است از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت باشد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۹۸۳). مثلاً مطالعه‌ای که داویدیان، تراقی و فروغان (۱۳۶۵) انجام دادند، نشان داد که بی‌قراری یا آشوب روانی - حرکتی جز در تهران در سایر شهرها نادر و احساس گناه و سرزنش خود در تهران ۲۰ درصد ولی در شهرهای سوئیس ۶۸ درصد بود. این یافته‌ها و یافته‌های برآمده از تحقیقات گسترده حاکی از تغییرپذیری و تفاوت در بروز علائم در

۱- نشانی تماس: تهران، خیابان کارگر جنوبی، پلاک ۱۰۰، مرکز تحقیقات روانپزشکی و روانشناسی.

E-mail: H.Kaviani@usa.com

کشورها و فرهنگ‌های گوناگون است.

روانشناسی ایران کمک کنند تا یک دیدگاه بومی و ملی از روانشناسی به دست آید. هدف این طرح مقایسه واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی و درمان و ارزیابی نسبت خوشایند/ناخوشایندی واژگان، به کارگیری عناصر جسمی/غیرجسمی در ترکیب اینگونه واژگان و رایج/غیررایج بودن آنها بود. نتایج این تحقیق، برای روانشناسان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌تواند مفید باشد.

در این مطالعه تلاش شد تا در چهارچوب پژوهش و روش‌شناسی مناسب این اهداف محقق شود: مقایسه واژگان مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در لغت‌نامه‌های معتبر زبان فارسی (معین، عمید و معاصر [فارسی امروز])؛ تعیین گرایش‌های مثبت (خوشایند) و منفی (ناخوشایند) در لغات و واژه‌های استخراج شده؛ تعیین جسمی (تنی) یا غیرجسمی (غیرتنی) بودن واژه‌ها و لغات فارسی (به ویژه در زمینه آسیب‌شناسی)؛ تعیین نسبت رایج/غیررایج بودن لغات و واژه‌های مورد نظر.

## روش

### مجموعه‌های مورد مطالعه

مجموعه مورد مطالعه این تحقیق، کلیه ورودی‌های درج شده در لغت‌نامه‌های معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) بود. این سه لغت‌نامه که در سه مقطع زمانی تقریباً جداگانه در طی تاریخ ۷۰ ساله گذشته گردآوری و منتشر شده است، با تأیید نظر اساتید زبان‌شناسی به گردونه بررسی وارد شدند. بنابراین احتمالاً بر اساس آن می‌توان فرضیه تحول تاریخی واژگان را رد یا تأیید کرد.

۱- فرهنگ معین (معین، ۱۳۸۱): فرهنگ دوجلدی معین که پس از اقتباس از فرهنگ شش جلدی، در سال ۱۳۸۱ شمسی انتشار یافت، یکی از منابع ما در این تحقیق بود. این فرهنگ با توجه به آثار علمی و ادبی مکتوب قدیم و جدید تنظیم شده است. تفاوت این فرهنگ با فرهنگ شش جلدی آوردن لغات اصلی و حذف ترکیبات لغات است. فرهنگ معین حاصل کار سترگ و سیستماتیک مرحوم دکتر محمد معین است که در دهه ۱۳۵۰

اصطلاح سایکوسوماتیک یا روان‌تنی برای اولین بار به وسیله هینروث<sup>۱</sup> در اول قرن نوزدهم به کار گرفته شد، هر چند از دهه ۱۹۵۰ به بعد توجه غالب روانپزشکان و روانشناسان را به خود جلب کرد (داویدیان، ۱۳۵۷). رشد و توسعه فن‌آوری پزشکی در قرن گذشته (قرن بیستم) و کشفیات این رشته از دانش در زمینه آسیب‌شناسی و زیست-شیمی<sup>۲</sup> و ارتباط آن با علل بیماری‌های روانی، جایگاه مبانی زیستی در روانپزشکی را مستحکم‌تر از قبل کرده است. امروزه، با توجه به بیش از نیم قرن پژوهش در این زمینه تقریباً همه درسنامه‌های جامع روانپزشکی به‌طور مفصل به تأثیرات متقابل روان و تن توجه شایسته‌ای نشان می‌دهند؛ به این ترتیب، درمان نیز به دو بخش عمده جسمی و غیرجسمی تقسیم شده است و مراکز معتبر درمانی ترکیب هر دو شیوه را به کار می‌گیرند.

دسته‌ای از مسائل و اختلال‌های روانپزشکی با علایم جسمی بروز می‌کنند (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۱۹۹۴). معمولاً پزشکان با مراجعانی روبه‌رو می‌شوند که از دردهای بدنی شکایت دارند ولی در معاینات و آزمایش‌های آنها هیچ نشانی از آسیب جسمی مشاهده نمی‌شود. احتمالاً در بسیاری از این موارد، اختلال جسمانی‌سازی<sup>۳</sup> مطرح است که با شکایات جسمانی چندگانه عودکننده یا مزمن مشخص می‌شود. شایع‌ترین شکایات در این اختلال، سردرد، تپش قلب، دردهای شکمی و روده‌ای و مشکلات قاعدگی و جنسی است (ولمن، ترجمه فارسی، ۱۳۷۶).

اگر فرهنگ دارای الگوی رفتاری واپس‌ران<sup>۴</sup> باشد، یعنی بیان آشکار احساس و افکار را تشویق نکند، نه تنها علائم به‌صورت جسمانی ابراز می‌شوند، بلکه کلام از اعضای بدن کمک می‌گیرد و مثلاً برای بیان افسردگی، از واژه‌های دل‌گرفتگی و دل‌سردی و برای اضطراب از دست‌پاچگی یا دلهره استفاده می‌کند (کلین‌من<sup>۵</sup> و بیرون<sup>۵</sup>، ۱۹۸۵).

به غیر از مطالعه قبلی ما (کاویانی، پورناصح و گل‌فام، ۱۳۸۴)، تاکنون هیچ گزارشی سنی بر کاوش در مجموعه گسترده واژگان فارسی مرتبط با جنبه‌های مختلف روانشناسی منتشر نشده است. کشفیاتی از این دست می‌توانند به عنوان ابزاری نظری به

1- Heinroth  
2- somatization disorder  
3- suppressive  
4- Kleinman  
5- Byrone  
6- somatic

(شمسی) در اختیار فرهنگ‌دوستان این سرزمین قرار گرفت. فرهنگ دوجلدی معین قریب ۴۳۰۰۰ واژه را دربرمی‌گیرد.

۲- فرهنگ فارسی عمید (عمید، ۱۳۸۱): لغت‌نامه یک جلدی عمید، چاپ بیست و سوم، یکی دیگر از منابع ما در این تحقیق بود. این فرهنگ شامل واژه‌های فارسی، لغات عربی و اروپایی مصطلح در زبان فارسی و اصطلاحات علمی و ادبی است. این فرهنگ یک جلدی از فرهنگ ده جلدی عمید اقتباس شده است که از فرهنگ نو و فرهنگ جیبی عمید متفاوت است. در واقع در فرهنگ یک جلدی ترکیبات لغات فرهنگ ده جلدی حذف شده است. این فرهنگ در شکل ابتدایی خود تحت عنوان فرهنگ نو در سال ۱۳۰۸ شمسی به چاپ رسید و قریب ۵۰ سال کار مداوم نویسنده آن را به صورت فرهنگ عمید در آورد و در سال ۱۳۵۸ منتشر گردید. فرهنگ عمید یک جلدی قریب ۳۹۰۰۰ واژه دارد.

۳- فرهنگ معاصر (فارسی امروز) (صدری افشار، حکمی و حکمی، ۱۳۸۱): این فرهنگ دربرگیرنده لغات، واژه‌ها و اصطلاحات فرهنگی عمومی در زبان فارسی است. این فرهنگ ۵۰۰۰۰ واژه دارد و به جای پرداختن به متون قدیم، با رویکرد جمع‌آوری و ارائه لغات و اصطلاحات در زبان مردم معاصر (فارسی امروز) کار فرهنگ نویسی را انجام داده است.

### جمع‌آوری اطلاعات

در این تحقیق کیفی، از نظر تخصصی سه روانشناس به عنوان معیار سنجش و ارزیابی واژه‌ها و لغات (با توجه به اهداف تعیین شده تحقیق) استفاده گردید. این سه روانشناس به‌طور جداگانه واژه‌ها و لغات لغت‌نامه‌ها را بررسی و پس از جداسازی واژه‌هایی که به حیطه‌های آسیب‌شناسی روانی و درمانی مربوط می‌شدند، نظر کیفی<sup>۱</sup> و توصیفی<sup>۲</sup> خود را به صورت خوشباینده/ناخوشباینده، جسمی/غیرجسمی و رایج/غیررایج ثبت کردند. در واقع، واژه‌ها و لغات جسمی آن دسته از واژه‌ها و لغات هستند که نام عضوی از بدن را در ترکیب خود دارند و واژه‌ها و لغات غیرجسمی، نام هیچ عضوی از بدن در آنها به کار نرفته است. زمینه قضاوت داوران معنی معادل هر واژه بود. در انتها اجماع از طریق بحث و اقتناع به‌دست آمد و در صورت عدم توافق، حداقل دو رأی از سه رأی

ملاک ارزیابی بود. همچنین واژگان رایج به آن دسته از واژگان گفته می‌شود که در زبان گفتاری و نوشتاری روزمره کاربران یک زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد.

مقوله خوشباینده/ناخوشباینده به طبقات «خوشباینده»، «ناخوشباینده» و «خوشباینده-ناخوشباینده» تقسیم شد. طبقه «خوشباینده-ناخوشباینده» به آن دسته از واژه‌ها گفته می‌شد که در معنای معادل واجد هر دو مضمون خوشباینده و ناخوشباینده باشند. مقوله‌های جسمی/غیرجسمی و رایج/غیر رایج به صورت دوگانه طبقه‌بندی شدند. در انتها یک زبان‌شناس، واژه‌ها و لغات استخراجی و نظر نهایی داوران (روانشناسان) را واریسی می‌کرد و چنانچه به لحاظ زیانناختی اشکال یا نکته‌ای وجود داشت، به تیم سه نفره ارزیاب بازخورد می‌داد. در پایان، ارزیابی بر اساس نظر زبان‌شناس اصلاح شد. تیم روانشناسان شامل یک دکتر روانشناسی بالینی، یک دکتر روانشناسی عمومی و یک کارشناس ارشد روانشناسی تربیتی بود. زبان‌شناس طرح دکترای زبان‌شناسی داشت.

در برداشت نهایی، از لغات تخصصی و لاتین موجود در فارسی صرف نظر شد، مگر موارد پرکاربرد (به وسیله عموم مردم). همچنین در ثبت نهایی معانی مقابل هر ورودی، به معنای مرتبط با ابعاد آسیب‌شناسی و درمان بسنده شد.

بر اساس اعلام منابع مورد نظر، فراوانی کل واژگان سه لغت‌نامه به صورت تخمینی بود. شمارش تصادفی واژه‌ها به وسیله محققان، همین ارقام را با ۰/۵ درصد نوسان نشان داد.

در زیر، نمونه‌هایی از واژگان استخراجی و مقوله‌بندی‌های آنها آمده است:

غرنگ / yarang / [غرَن] (۱). صدای خرخری که به سبب گریه یا فشردن گلو در حلق پدید آمد. [آسیب‌شناسی، ناخوشباینده، غیرجسمی، غیر رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

فرسوده / far-sūda(-e) / پایمال گردیده. آزار رسیده، آزرده. [آسیب‌شناسی، خوشباینده، غیرجسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معین)

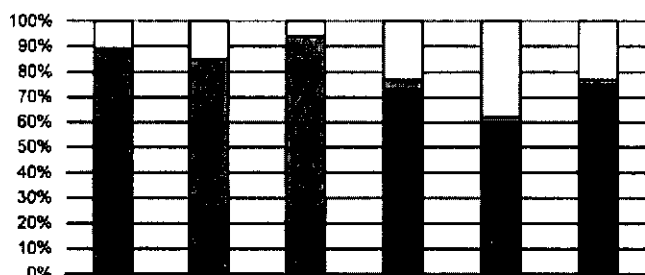
کله خرابی / kalla(-e)-xarāb-Ī / [ف.ع.] [حامص]. تهی مغزی، بیخردی، عصبانیت، تند مزاجی. [آسیب‌شناسی، ناخوشباینده،

جدول ۲- فراوانی واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰)

فرهنگ‌ها	کل واژه‌ها	آسیب‌شناسی فراوانی (نسبت)	درمان فراوانی (نسبت)
معین	۴۳۰۰۰	۸۷۷ (۲/۰۴)	۲۴۰ (۰/۵۶)
عمید	۳۹۰۰۰	۵۴۸ (۱/۴۱)	۳۳۷ (۰/۸۶)
معاصر	۵۰۰۰۰	۷۹۹ (۱/۶۰)	۲۳۳ (۰/۴۷)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۲۲۲۴ (۱/۶۹)	۸۱۰ (۰/۶۱)

مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در فرهنگ‌های سه‌گانه تفاوت معنی‌داری را نشان داد ( $\chi^2 = 259/07, p < 0/001$ ). همچنین، مجذور کای مربوط به نسبت‌های واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در فرهنگ‌های سه‌گانه نشان‌دهنده تفاوت معنی‌دار بود ( $\chi^2 = 107/66, p < 0/001$ ). آن‌گونه که از محتوای جدول ۱ برمی‌آید، نسبت واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاهش می‌یابد.

از آن‌رو که یکی از سؤال‌های تحقیق پیرامون رایج/غیررایج بودن واژه‌های این تحقیق است و نیز برای کاوش بیشتر درباره چگونگی توزیع فراوانی متغیرها در زیرمجموعه واژه‌های رایج، این طبقه از واژه‌ها جداسازی و عملیات آماری روی آنها تکرار شد. یافته‌های توصیفی جدول ۲ نشان می‌دهد که نسبت واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی در لغت‌نامه معین بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است ( $\chi^2 = 79/83, p < 0/001$ )، اما در واژه‌های رایج مرتبط با درمان گرایش کاهنده‌ای دیده نمی‌شود: نسبت واژه‌های رایج عمید بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است ( $\chi^2 = 25/03, p < 0/001$ ).



شکل ۱- درصد واژه‌های خوشایند و ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)

خیره‌سر / xiresar/ها: صفت. سرکش؛ نافرمان. به همین قیاس: خیره‌سری. [آسیب‌شناسی، ناخوشایند، جسمی، رایج] (انتخاب از فرهنگ معاصر)  
 درون‌بینی/ darunbini/ -ها: اسم. بررسی اندیشه‌ها و احساس‌های خویش: درون‌نگری. [درمان، خنثا، غیرجسمی، رایج] دلارام/delaram/ صفت. [ادبی] ۱) مایه آرامش عاطفی. ۲) بسیار گرامی و خوشایند. [درمان، خوشایند، جسمی، رایج]

### تحلیل داده‌ها

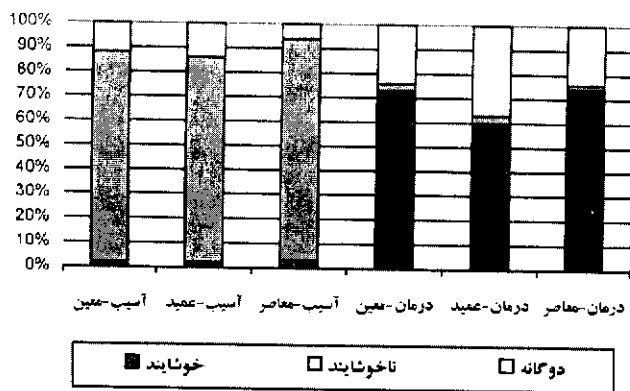
برای عملیات آماری توصیفی و استنباطی، همگی واژه‌ها و ارزیابی‌های کمی و کیفی آنها به بسته آماری SPSS وارد و پس از پالایش خطاهای مربوط به ورود داده‌ها، کلیه فراوانی‌ها، درصدها و مجذور کای، به وسیله همین برنامه آماری محاسبه شد. باید توجه داشت که برای نمونه‌گیری، تمامی واژه‌ها سرشماری شدند. هرچند تفاوت‌ها آشکار بود اما عملیات آماری به صورت تکمیلی صورت گرفت.

### یافته‌ها

در مجموع در سه لغت‌نامه مورد نظر، ۳۴۱۲ واژه روانشناختی مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و ۱۲۱۳ واژه روانشناختی مرتبط با درمان استخراج شد. جدول ۱ فراوانی واژه‌های آسیب‌شناسی و درمان را در سه فرهنگ معین، عمید و معاصر (فارسی امروز) و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰) در هر فرهنگ را جداگانه و در مجموع نشان می‌دهد. فراوانی واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی حدود سه برابر واژه‌های مرتبط با درمان بود.

جدول ۱- فراوانی واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان و نسبت آنها به کل واژه‌ها (×۱۰۰) در فرهنگ‌های سه‌گانه

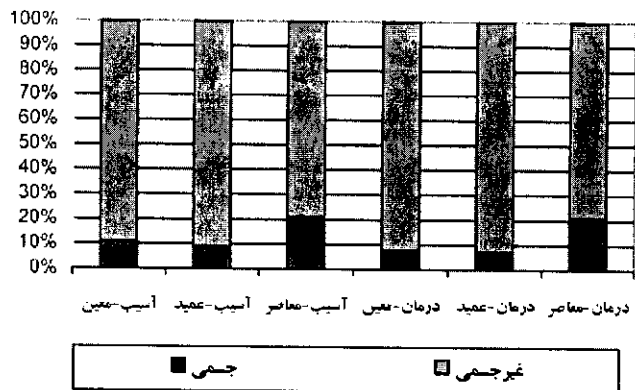
فرهنگ‌ها	کل واژه‌ها	آسیب‌شناسی فراوانی (نسبت)	درمان فراوانی (نسبت)
معین	۴۳۰۰۰	۱۵۷۳ (۳/۶۶)	۵۵۰ (۱/۲۷)
عمید	۳۹۰۰۰	۹۹۰ (۲/۵۳)	۴۰۸ (۱/۰۵)
معاصر	۵۰۰۰۰	۸۴۹ (۱/۷۰)	۲۵۵ (۰/۵۱)
مجموع	۱۳۲۰۰۰	۳۴۱۲ (۲/۵۸)	۱۲۱۳ (۰/۹۲)



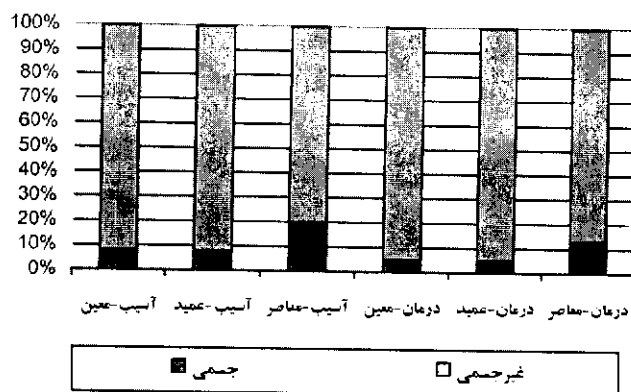
شکل ۱- درصد واژه‌های خوشایند و ناخوشایند رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

یافته‌های شکل ۳ نشان می‌دهد که حدود ۵۵ درصد واژه‌های آسیب‌شناسی در دو لغت‌نامه معین و عمید و بیش از ۹۰ درصد این گونه واژه‌ها در لغت‌نامه معاصر، رایج طبقه‌بندی شده‌اند. همچنین گویای آن است که حدود ۶۰ درصد واژه‌های درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید و بیش از ۹۰ درصد این نوع واژه‌های در لغت‌نامه معاصر رایج طبقه‌بندی گردیده‌اند.

یافته‌های شکل ۴ که بسیار شبیه یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ است، نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را تأیید می‌کند. همچنین شکل ۴ نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند است. عملیات آماری مجذور کای این توصیف را نیز تأیید می‌کند.



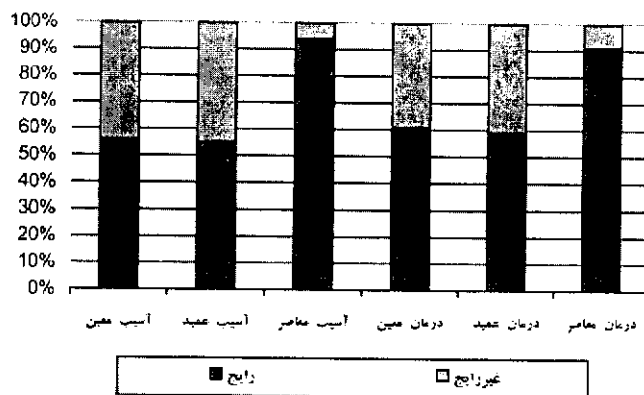
شکل ۲- درصد واژه‌های جمی و غیرجمی رایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه



شکل ۳- درصد واژه‌های جمی و غیرجمی مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

بر اساس یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۱ و نیز با توجه به عملیات آماری مجذور کای برای واری معنی‌داری یافته‌ها، به‌نظر می‌رسد واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های خوشایند است؛ این وضعیت در مجموع سه لغت‌نامه نیز دیده می‌شود. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی قابل تبیین است.

یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ گویای آن است که بیشتر واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و عمید، غیرجمی‌اند؛ تعداد واژه‌های جمی در فرهنگ معاصر بیشتر از دو فرهنگ دیگر است. همچنین یافته‌های شکل ۲ به‌طور آشکار و هماهنگ مبین آن است که بیشتر واژه‌های مرتبط با درمان، غیرجمی می‌باشند.



شکل ۴- درصد واژه‌های رایج و غیررایج مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در فرهنگ‌های سه‌گانه

عمید و معاصر (فارسی امروز) کاهش می‌یابد؛ اگرچه پس از سرند رایج/ غیررایج این روند حفظ نمی‌شود.

همچنین نسبت واژه‌های سرربط با درمان به ترتیب در فرهنگ‌های معین، عمید و معاصر کاهش سی‌یابد. هرچند سرند رایج/ غیررایج حاکی از آن است که نسبت واژه‌های رایج مرتبط با درمان در لغت‌نامه عمید بیشتر از دو لغت‌نامه دیگر است، در مقایسه دو لغت‌نامه معین و عمید (که قدیمی‌ترند) با فرهنگ معاصر (که جدیدتر است) تفاوت بارزی به‌نظر نمی‌رسد.

همچنین یافته‌ها گویای این نکته است که واژه‌های ناخوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی در دو لغت‌نامه معین و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های خوشایند است؛ این وضعیت در مجموع سه لغت‌نامه نیز دیده می‌شود. سرند رایج/ غیررایج واژه‌ها نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های رایج خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی، کمتر از واژه‌های ناخوشایند است. این یافته با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی روانی قابل تبیین است.

این الگو در مورد واژه‌های مرتبط با درمان وارونه است. هم یافته‌های کلی و هم یافته‌های سرند شده (رایج/ غیررایج) نشان می‌دهد که در هر لغت‌نامه و در مجموع، فراوانی واژه‌های خوشایند مرتبط با درمان به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند است. این یافته با توجه به خوشایندبودن مفهوم درمان قابل تبیین است.

گرایش به کاربرد واژه‌های ناخوشایند در حیطه آسیب‌شناسی روانی را از دیدگاه دیگری هم می‌توان مورد بحث قرار داد. این یافته می‌تواند تلویحاً به این فرض اشاره داشته باشد که احتمالاً تعاملات جامعه ما با احساس‌های ناخوشایند (نظیر غم، ترس، خشم و نفرت) همراه است. حداقل در حیطه احساس‌های افسردگی و اضطراب این یافته با مطالعات مربوط به شیوع در جمعیت عمومی هماهنگ است (کاویانی، احمدی‌بهری، نظری و هرمزی، ۱۳۸۱؛ کاویانی، احمدی‌بهری، دهقان و همکاران، ۱۳۸۱). بعضی از مطالعات نشان داده است که افراد غیربیمار هم از برخی علائم اضطراب و افسردگی رنج می‌برند (کاویانی و قاسم‌زاده، ۱۳۸۲). کاوش بیشتر در این زمینه و مقایسه این یافته با جوامع دیگر، به

یافته‌های بازنمایی شده در شکل ۵ نشان می‌دهد که ۱۰ تا ۲۰ درصد واژه‌های رایج مرتبط با آسیب‌شناسی، جسمی هستند. یافته‌های مربوط به واژه‌های درمان بسیار شبیه یافته‌های آسیب‌شناسی روانی در این زمینه می‌باشد. با توجه به عملیات آماری مجذور کای برای واری معنی‌داری یافته‌ها، به نظر می‌رسد واژه‌های خوشایند مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و نیز درمان در سه لغت‌نامه معین، عمید و معاصر به‌طور معنی‌داری بیشتر از واژه‌های ناخوشایند و واژه‌های دوگانه باشد؛ هرچند در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) با توجه به محتوای ناخوشایند آسیب‌شناسی روانی و محتوای خوشایند درمان قابل تبیین است.

## بحث

این پژوهش با هدف مقایسه واژه‌های مرتبط با حوزه‌های آسیب‌شناسی روانی و درمان به لحاظ خوشایندی/ ناخوشایندی، جسمی/ غیرجسمی و رایج/ غیررایج بودن آنها انجام شد. توجیه اولیه ما بر پایه این فرض بود که احتمالاً واژگان گنجینه‌های لغت فارسی می‌توانند آشکارکننده نگرش، تفکر و درون‌مایه ذهنی کاربران آن زبان باشند.

کاوش محققان نشان داد که هیچ گزارشی مبنی بر مطالعه مجموعه گسترده واژگان فارسی برای دستیابی به کم و کیف واژگان روانشناختی وجود ندارد. این پژوهش در ادامه پژوهش قبلی محققان (کاویانی و همکاران، ۱۳۸۴)، پیرامون واژه‌های هیجانی در فرهنگ‌های سه‌گانه و با به‌کارگیری روش‌شناسی مشابه انجام شد.

حدود ۵۵ درصد واژه‌های آسیب‌شناسی در دو لغت‌نامه معین و عمید، و بیش از ۹۰ درصد این‌گونه واژه‌ها در لغت‌نامه معاصر (فارسی امروز) رایج طبقه‌بندی شدند. همچنین، ۶۰ درصد واژه‌های مرتبط با درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید، و بیش از ۹۰ درصد واژه‌های لغت‌نامه معاصر (فارسی امروز)، رایج طبقه‌بندی گردیدند. این یافته با توجه به ۱) روزآمدتر بودن فرهنگ معاصر و ۲) تمرکز فرهنگ معاصر بر متون معاصر، قابل تبیین است.

نتایج نشان می‌دهد که واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی (نسبت به کل واژگان هر لغت‌نامه) به ترتیب در فرهنگ‌های معین،

نتایج این تحقیق، برای روانشناسان، زبان‌شناسان، جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان می‌تواند مفید باشد. رسانه‌های گروهی مانند تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها نیز می‌توانند با استفاده از نتایج این تحقیق در استراتژی تولید کلامی خود تغییراتی به‌وجود آورند و بدین وسیله دگرگونی احتمالی در نگرش و درون‌مایه‌های ذهنی مخاطبان خود را زمینه‌سازی کنند.

### سپاسگزاری

همه سپاس ما نثار مؤلفان این لغت‌نامه‌ها و همکاران سخت‌کوشان باد که زمینه را برای تلاش ما آماده ساختند.

دریافت مقاله: ۱۳۸۴/۱۰/۶؛ پذیرش مقاله: ۱۳۸۴/۱۱/۴

مطالعات بین فرهنگی نیازمند است. یافته‌های کل و نیز یافته‌های برآمده از سرند داده‌ها آشکارا و هماهنگ گویای این است که بیشتر واژه‌های مرتبط با آسیب‌شناسی روانی و درمان در دو لغت‌نامه معین و عمید، غیرجسمی هستند؛ هرچند واژه‌های جسمی در فرهنگ معاصر (فارسی امروز) بیشتر از دو فرهنگ دیگر است.

طرح پژوهشی حاضر، از طرح‌هایی است که بیشتر با مطالعات کیفی همخوانی دارد و روش‌شناسی خاص خود را می‌طلبد. این زمینه پژوهشی و روش به کار گرفته شده، هرچند در رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی رایج است و محققان این رشته‌ها با آن سر و کار دارند، اما به دلیل نو بودن موضوع و زمینه کار ممکن است برای محققان و دانشمندان رشته روانشناسی و روانپزشکی (البته در ایران) غریب جلوه کند و حتی ممکن است آن را با موضوعات تحقیق در رشته‌های پزشکی و احتمالاً روانپزشکی بی‌ارتباط قلمداد کنند.

### منابع

- داویدیان، ه. (۱۳۴۴). اهمیت بررسی اساطیر ایرانی. *مجله سخن*، ۱۹-۲.
- داویدیان، ه. (۱۳۵۷). مفهوم روان-تنی. *مجله دانشکده پزشکی دانشگاه ملی ایران*، ۶، ۲-۱.
- داویدیان، ه. و ساعدی، غ. (۱۳۴۴). آل و ام‌الصبيان. *مجله سخن*، ۱۶، ۳۴-۱۹.
- داویدیان، ه.، نراقی، م. و فروغان، ج. (۱۳۶۵). افسردگی در فرهنگ‌های مختلف. *مجله دانشکده پزشکی*، ۷ و ۸، ۱۹-۱۵.
- صدری‌افشار، غ.، حکمی، ن. و حکمی، ن. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی امروز*. تهران: فرهنگ معاصر (فارسی امروز).
- عمید، ح. (۱۳۸۱). *فرهنگ عمید (چاپ بیست و سوم)*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- کاویانی، ح.، احمدی‌ابهری، ع.، دهقان، م.، منصورتیا، م.، خرمشاهی، م.، قدیرزاده، م.، دادبی، ع.، و چهاردهی، ا. (۱۳۸۱). شیوع اختلال‌های اضطرابی در جمعیت ساکن شهر تهران، اندیشه و رفتار، ۳، ۱۱-۴.
- کاویانی، ح.، احمدی‌ابهری، س. ع.، نظری، ه. و هرمزی، ک. (۱۳۸۱). شیوع اختلال‌های افسردگی در جمعیت شهر تهران ۱۳۷۹. *مجله دانشکده پزشکی*، ۵، ۳۹۹-۳۹۴.
- کاویانی، ح.، بورناصح، م.، و گلفام، ا. (۱۳۸۴). تقابل واژه‌های هیجان و شناخت در لغت‌نامه‌های زبان فارسی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۲، ۳۷-۲۹.
- کاویانی، ح.، و قاسم‌زاده، ح. (۱۳۸۲). بررسی همابندی مرضی (Comorbidity). همبوشی علائم اختلال‌های افسردگی و اضطراب در جامعه ایران. *مجله دانشکده پزشکی*، ۱۷۷-۱۷۱.
- معین، م. (۱۳۸۱). *فرهنگ فارسی (دو جلد)*. تهران: انتشارات آذنا.
- ولمن، ب. (۱۳۷۶). *اختلالات روان‌تنی*. ترجمه ب. نجاریان و همکاران. تهران: انتشارات رشد.

American Psychiatric Association (1994). *Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders*, (4<sup>th</sup> ed.). Washington, DC.: American Psychiatric Association.

Kleinman, A., & Byron, G. (1985). *Culture and Depression: Studies in the anthropology and cross-cultural psychiatry of*

*affect and disorder*. Berkeley, CA: University of California Press.

World Health Organization (1983). *Depressive disorders in different cultures*. Geneva: WHO.